

احکام نجوم از دیدگاه امام صادق (ع)

از امام صادق (ع) و سایر پیشوایان مذهب جعفری علیهم السلام روایات فراوانی درباره دلالت نجوم بر ظهور پیامبران و ائمه علیهم السلام وارد شده است .



از امام صادق (ع) و سایر پیشوایان مذهب جعفری علیهم السلام روایات فراوانی درباره دلالت نجوم بر ظهور پیامبران و ائمه علیهم السلام وارد شده است .

علی زمانی قمشهای - از جمله این دلائل عبارتند از:

1 - امام محمد باقر (ع) فرموده است: $171\#&$ نبوت حضرت نوح از طریق علم نجوم به دست آمد $1\&$ [و مردم از آن خبردار شدند].

2 - امام صادق (ع) فرمود: $171\#&$ آزر منجم نمرود بود و جز به فرمان اوکاری انجام نمی داد $171\#&$ آزر $\&$ شبی اوضاع کواکب را مشاهده کرد، صبحگاهان به نمرود گفت: دیشب امر عجیبی مشاهده کردم، نمرود گفت:

چیست؟ گفت: در زمان ما کودکی به دنیا خواهد آمد که نابودی ما به دست اوست و به همین زودی مادرش به او آبستن خواهد گشت. نمرود شگفت زده پرسید آیا مادرش هنوز به او آبستن نشده؟ گفت: نه، نمرود فرمان داد مردها از زنها جدا گردند در همین زمان مادر ابراهیم (ع) به ابراهیم آبستن شد، نمرود چون از این امر اطلاع یافت فرمان داد زنان متخصص امر زایمان و جنین شناس، شکم زنان شهر از جمله مادر ابراهیم را معاینه کردند، پس از معاینه مادر ابراهیم (ع) گفتند:

بچه ای در آن نمی بینیم، دیگر بار منجم بشارت داده گفت: آن فرزند (ابراهیم (ع) $\&$ به آتش خواهد سوخت [خبر از در آتش افتادن ابراهیم دادند] اما از طریق علم نجوم نفهمید که خداوند او را نجات خواهد داد [2]. به گفته سید بن طاووس (ره) این حدیث در تفسیر علی بن ابراهیم، در تاریخ طبری، در قصص الانبیاء راوندی، در تفسیر ثعلبی و دیگران بازگو شده است. سید می افزاید: اخترشناسان از نبوت و رسالت حضرت موسی بن عمران (ع) خبر دادند، همچنین خبر از زاده شدن او دادند، از اینرو فرعون فرمان داد پسران بنی اسرائیل را کشتند، چنان که زمخشری هم در تفسیر کشاف به قلم آورده است. اخترشناسان از رسالت حضرت مسیح (ع) خبر دادند، گروهی به دیدار او شتافتند و به مادرش مژده رسالت او را رساندند.

منجمان یهود از نبوت حضرت محمد (ص) خبر دادند.

علامه مجلسی (ره) افزوده است: هرقل پادشاه روم و خسروان ایران از راه نجوم به نبوت پیامبر ما (ص) رسیده بودند، چنان که سید بن طاووس نیز این امر را خاطرنشان ساخته و طبری نیز در تاریخ خود نگاشته است.

نیز گزارشهای فراوانی به دست ما رسیده است که پادشاهان ایران زمین از راه نجوم دریافته بودند که مسلمانان بر آنان چیره خواهند گشت، و حتی رستم فرخ زاد را با فریب به جنگ مسلمانان روانه داشتند.

سید افزوده است اخترشناسان از راه نجوم به امامت حضرت مهدی (ع) دست یازیدند [3].

نظر امام صادق (ع)

مرحوم کلینی از عبدالرحمان بن سیاه روایت کرده که او گفت:

به امام صادق (ع) عرض کردم: فدایت گردم مردم می گویند نظر و کاوش در علم نجوم صحیح نیست ولی من آن را خوش دارم، اگر به دین من زیان وارد می کند مرا بدان نیازی نیست و از آن صرف نظر می کنم؟ فرمود: به دین تو ضرر نمی زند، سپس افزود شما در چیزی به کاوش پرداخته اید که کثیرش را درکتان قابل نیست و قلیلش هم سودآور نمی باشد [4].

1 - شیخ اعظم انصاری(ره) این مساله را در چند بخش مورد ارزیابی قرار داده است:

اول: گزارش و خبر از اوضاع فلکی و کواکب؛ اگر براساس اصول صحیح وقواعد علمی باشد، مانند خبر از سیر و گردش کواکب و پدیده خسوف که ناشی از حایل شدن زمین بین ماه و خورشید، و کسوف که در اثر مانع شدن ماه از نور خورشید به زمین است، این بخش صحیح است و خبر دادن از آن هم جایز است، حتی آنان که منکر احکام نجوم هستند، همچون سیدمرتضی، این بخش را پذیرفته‌اند. دلیل و تایید این بخش روایاتی است از پیشوایان دین که مثلا اگر قمر در برج عقرب باشد، ازدواج و مسافرت کراهت دارد. و روایات کسوف و خسوف.

دوم: اگر اساس کار منجم تجربه قطعی باشد و بر این پایه خبر دهد که کواکب دلالت دارند فلان پدیده رخ خواهد داد، گزارش از چنین امری صحیح است و قطعاً حرام نیست یک نمونه آن قضیه‌ای است که بر مروج علم اخترشناسی و زنده‌کننده آن یعنی خواجه نصیرالملة والدین رخ داد. اودر یکی از سفرها به آسیای رسید و در آنجا منزل گزید، آسیابان گفت: امشب زیر سقف استراحت کن زیرا باران می‌بارد، خواجه به اوضاع فلک نگاهی انداخت و گمانی به بارش باران نبرد. آسیابان گفت: من سگی دارم که شبهای بارندگی بالای پشت‌بام نمی‌رود و زیر سقف می‌خوابد. ولی خواجه بر پشت‌بام خوابید و شب هنگام باران بر او باریدن گرفت، او از این وضع خیلی در شگفت ماند.

سوم: اگر پدیده‌ها و رخدادهایی که به دلالت نجوم پدید می‌آیند را اثر مستقیم و مستقل اختران بدانیم (بدون استناد به خداوند) و از آن خبر دهیم، چنین حکم و گزارشی حرام است و مساله تنجیم حرام در این بخش تمرکز یافته است، دلیل آن ظاهراً احادیث و فتوای فقها است، از اینرو در احادیث آمده: منجم، ساحر و کاهن ملعون‌اند. باز در حدیث می‌خوانیم: اگر کسی منجم و کاهن را تصدیق کند، به آنچه بر محمد(ص)(قرآن و اسلام) نازل گشته، کافر شده است. از اینرو: انسان اگر تاثیر اوضاع فلکی را از خود افلاک بداند، یعنی نجوم، استقلال در تاثیر دارند، افلاک علت تامه به شما روند، فاعل بالاراده و صاحب اختیار جهان باشند و خالق پدیده‌ها به حساب آیند، چنین عقیده‌ای کفر است.

#171؛ سید بن طاووس، شیخ بهائی و مجلسی؛ رحمه الله علیهما- و #171؛ ابن ابی‌الحدید؛ تصریح دارند که اگر کسی چنین پندارد که افلاک و نجوم قدیمند، و نیازی به خالق و فلک آفرین ندارند، او کافر است زیرا کافران بر این عقیده‌اند که بارش باران و برف به خاطر طلوع و غروب اختران است نه به مشیت خداوند.

نظر شیخ بهائی(ره)

شیخ بهائی(ره) می‌نویسد: اموری که اخترشناسان بر پایه آنها حکم به حوادث آینده می‌کنند، بر اصول زیر استوار است:

1 - برخی از اصول یاد شده از اصحاب وحی علیهم السلام گرفته شده است.

2 - اخترشناسان در پاره‌ای از آنها ادعای تجربه دارند.

3 - برخی از آنها مبتنی بر اموری است که نیروها و ادراکات بشری بدانها احاطه نمی‌یابد، آن‌سان که امام صادق(ع) فرمود: اخترشناسی دانشی است که کثیر آن به درک نمی‌آید و قلیل آن نتیجه بخش نیست از اینجاست که در احکام منجمان خطا راه می‌یابد [5]

نظر صاحب جواهر(ره)

صاحب جواهر، فقیه نامی شیعه می‌نویسد: احادیثی که دلالت بر صحت علم نجوم دارند به قدری زیاد است که قابل حصر نیست. در مقابل نیز روایاتی بر عدم تکیه به نجوم دلالت دارند، در این احادیث منجمان تکذیب شده و بسان کاهن و ساحر قلمداد گشته‌اند.

لیکن می‌توان بین این دو دسته روایات را آشتی داد و جمع کرد، بدین گونه که بگوئیم: اگر اعتقاد بر این باشد که نجوم، صاحبان اراده مستقل، فاعل مختار و تاثیراتشان مستقل است بدون این که مسخر خداوند باشند، [چنان که منجمان قبل از اسلام بر این باور بوده‌اند]، در این صورت منجم مانند ساحر و کاهن است. اما اگر اعتقاد بر این باشد که اوضاع فلکی [اتصالات، اقترانات، انفصالات، تربیعات، تسدیسات و...] همه نشانه‌ها و علامات سنت خدا و عادت او باشند، یعنی بر این باور باشیم که عادت خدا بر این امر جاری است که مثلا فلان اختر فلان تاثیر را دارد و حق تعالی تاثیرات آنها را به مقتضای حکمت خویش قرار داده است، در این صورت حرام نیست، می‌توانیم

فراگیریم، آموزش دهیم، پژوهش به عمل آوریم، به ویژه این که حقتعالی قادر است تأثیرات آنها را به وسیله صدقه دادن، دعا و راز و نیاز داشتن، تغییر دهد. زیرا حقتعالی هر چه را بخواهد محو کرده و هر چه را بخواهد ثابت باقی می‌دارد. (یمحوالله ما یشاء ویثبت و عنده ام الکتاب) [6].

ولی احاطه به دقائق اخترشناسی بر غیر خزینه داران علم الهی میسور نیست، زیرا دیگران احاطه کامل به احوال و اوضاع فلکی و اقترانات کواکب ندارند. لیکن سخن فوق نباید مانع از نظر و کاوش در کتب و تحقیقات اهل نجوم گردد، زیرا احوال و اوضاعی را برای نجوم و اختران به نگارش آورده‌اند که غالباً اتفاق می‌افتد و آنها را باید احتیاطاً عمل کرد، از اینرو می‌بینیم گروهی از شیعه این دانش را فراگرفته که در میان آنان علما و محدثان بزرگ وجود داشته‌اند [7].

صاحب جواهر آن‌گاه یک فهرست بزرگ از اسامی آنان یادآور شده که مادر آینده به آنها خواهیم پرداخت.

مولوی در مثنوی نیز هم دلالت نجوم و آثار قضا و قدر آنها را پذیرفته و هم معتقد به احتیاط است. آن‌سان که صاحب جواهر نیز گفته، جانب احتیاط باید رعایت گردد. وی چنین می‌سراید:

نحس کیوان یا که سعد مشتری ناید اندر حصر اگرچه بشمری لیک هم بعضی از این هر دو اثر شرح باید کرد بهر نفع و ضرر تا شود معلوم آثار قضا شمه‌ای مر اهل سعد و نحس را طالع آن کس که باشد مشتری شاد گردد از نشاط و سروری و آن که را طالع زحل، از هر شرور احتیاطش لازم آید در امور گر نگویم آن زحل استاره را ز آتشش سوزد مر آن بیچاره را جنبش اختر نیاید جز سقیم برنارد جز که آن لطف عمیم اذکروالله شاه ما دستور داد دید اندر نار، ما را نور داد [8]

پس باید نحوست آنها را با صدقه، ذکر خدا، برطرف کرد تا لطف عمیم خدا شامل گردد.

[1] - بحارالانوار: ج 58، ص 235، نشر آخوندی.

[2] - بحارالانوار: ج 58، ص 237 - 238.

[3] - بحارالانوار: ج 58، ص 237 - 238.

[4] - کلینی: روضه کافی، ص 195-210، نشر آخوندی، 1389ه. ق 1348ش- وسائل الشیعه: ج 12، ص 102 به کوشش ربانی شیرازی.

[5] - شیخ انصاری، مکاسب محرمة، ص 28، مساله تنجیم.

[6] - (رعد: 39)

[7] - جواهر، شیخ محمد حسن نجفی: ج 22، ص 108 به بعد.

[8] - مولوی: مثنوی، دفتر دوم، ذیل عنوان: افکار فلسفی (...ان اصبح مائکم غورا فمن یتیکم بماء معین)(ملک: 30).

به نقل از درس هایی از مکتب اسلام _ شماره 10 - سال 78